

فهرست

۷ مقدمه
۹ جایگاه امام علی <small>علیه السلام</small> نزد خدا
۱۰ جایگاه امام علی <small>علیه السلام</small> نزد رسول خدا
۱۵ وارث پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۷ دعای پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در حق علی <small>علیه السلام</small>
۱۹ ایمان امام علی <small>علیه السلام</small>
۲۳ علم امام علی <small>علیه السلام</small>
۲۹ علی <small>علیه السلام</small> و قرآن
۳۲ راه بهشت
۳۴ پیشوای مؤمنین
۳۵ عبادت امام علی <small>علیه السلام</small>
۳۸ تواضع امام علی <small>علیه السلام</small>
۳۹ شجاعت امام علی <small>علیه السلام</small>

۴۲ عدالت امام علی <small>علیه السلام</small>
۴۵ مظلومیت امام علی <small>علیه السلام</small>
۴۹ سکوت امام علی <small>علیه السلام</small>
۵۱ صبر امام علی <small>علیه السلام</small>
۵۳ ساده زیستی امام علی <small>علیه السلام</small>
۶۰ یاران بی وفا
۶۴ ولایت امام علی <small>علیه السلام</small>
۶۸ دوستان امام علی <small>علیه السلام</small>
۷۱ دشمنان امام علی <small>علیه السلام</small>
۷۵ حکومت امام علی <small>علیه السلام</small>
۷۹ شفاعت امام علی <small>علیه السلام</small>
۸۰ شهادت امام علی <small>علیه السلام</small>

مقدمه

موهبت الهی - اسلام - به عنوان تنها دین مطلوب خداوند پدیده شگرفی بود که نقش سازنده‌ای در زندگی انسان داشته است. واکنش‌ها، تعامل‌ها و تقابل‌ها با آن مسیر پرفراز و نشیبی را رقم زد. گاه همچون غباری مسیر را برای ما مشتبه ساخت و گاه به دست کسانی پرده از اسرار آن گشوده شد که وسیله تقرب ما به خدا گشتند.

این ودیعه الهی به حضرت رسول سپرده شد و حق از پس کلام دلنشین و مهربان ایشان آشکار شد؛ اما تغییرات سیاسی در جهان اسلام تحولات اجتماعی و فرهنگی بسیاری را به همراه آورد و مسیر آن را بار دیگر مشتبه ساخت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای رهایی امت خود از گمراهی، محرم اسراری را پرورده بود که همدم نجواها و اسرار و پاره تنش بود. خود در کامش شیر ریخته بود و فضایل اخلاقی را به او تعلیم داده و حلاوت وحی را در جانش سرریز کرده بود. چنانچه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این حقیقت را در حدیث «ثقلین» رقم زده که: «علی مع القرآن و القرآن مع علی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»

حضرت امیر نیز به این مکارم و فضایل تفاخر می‌کند.

فلسفه ایراد چنین تفاخرات و مباهات را امیرالمؤمنین علیه السلام در جای جای **نهج البلاغه** و کتب دینی و به صورت مبسوط در توصیه‌های خود به مالک اشتر بیان داشته است. باید توجه داشت که بین تعریف و تمجید از خود و معرفی کردن و شناساندن خود فرق است. اولی مذموم است چون قرآن می‌فرماید: «خود را نستايند.»^۱ ولی معرفی شخصیت خود برای آشنایی طرف مقابل جهت شناخت قابلیت‌ها و تخصص و توانمندی مذموم نیست؛ بلکه به آن سفارش شده است. مانند کاری که حضرت یوسف علیه السلام و پیامبران دیگر انجام داده‌اند و منافاتی با زهد و تقوا ندارد.

روی سخن با مخاطبانی است که می‌خواهند نگاهی دقیق‌تر به این وجهه از کلام امیرالمؤمنین بیاندازند و به عبارتی، جهانی‌بینی اسلام را از نگاه علی علیه السلام بشناسند. تأمل مخاطبان عزیز در این معانی؛ عنوان کتاب را ملموس‌تر می‌سازد.

جایگاه امام علی علیه السلام نزد خدا

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: جبرئیل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای محمد! خداوند امر کرده است که علی را دوست بداری و دوستدار وی را نیز دوست بداری چرا که خداوند علی را دوست دارد.^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمودند که قریش بر من خرده می‌گیرند و راجع به ازدواج تو و فاطمه گلایه می‌کنند و می‌گویند او را از ما دریغ داشتی و با علی تزویج کردی. به آنها گفتم: به خدا سوگند این من نبودم که او را از شما دریغ کردم و به علی تزویج نمودم؛ بلکه ازدواج فاطمه تقدیر و تدبیر خدا بود. جبرئیل فرود آمد و گفت: ای محمد، خدای متعال فرموده اگر علی را نیافریده بودم روی زمین کفو و هم‌شان برای دخترت فاطمه یافت نمی‌شد. نه فقط امروز که از زمان آدم تا انقراض عالم. فاطمه کفوی نداشته و نخواهد داشت.^۲

۱. سوره شعرا، آیه ۱۰۷.

۱. بشارة المصطفی، ص ۱۵۶.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۲.

جایگاه امام علی علیه السلام نزد رسول خدا

امیرالمؤمنین علی علیه السلام کودک بسیار خردسالی بود که بحران شدید اقتصادی و قحطی در مکه پیدا شد. ابوطالب فرزندان زیادی داشت و سخت در زحمت بود. پیامبر که هنوز به مقام بعثت نرسیده بود؛ به عباس که مرد ثروتمندی بود فرمود: برادرت ابوطالب، کثیرالعیال است. مشکلات را می بینی. یکی از فرزندان را تو سرپرستی کن و یکی را من. عباس پذیرفت. هر دو نزد ابوطالب رفتند و مقصود خود را بیان کردند. ابوطالب گفت: عقیل را نزد من بگذارید و هر یک از سایر فرزندانم را خواستید انتخاب کنید. پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را برگزید و عباس جعفر را. از آن به بعد علی بن ابی طالب با رسول خدا صلی الله علیه و آله بود تا زمان بعثت که در آن زمان نیز از او پیروی کرد و به او ایمان مجدد آورد و تصدیقش کرد.^۱

تنها کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله با او عقد اخوت بست امیرالمؤمنین بود

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این زمینه می فرماید: پیامبر خدا بین یاران خود پیمان برادری برقرار کرد. گفتم ای پیامبر، بین یاران پیمان برادری بستی و مرا تنها و بدون برادر رها ساختی. فرمود: «تو را برای خودم کنار گذاشتم تو برادر من در دنیا و آخرت هستی، تو نسبت به من چون هارون نسبت به موسی علیه السلام هستی، برخاستم و از شادی و سرخوشی، گریه می کردم و شروع کردم به سرودن این شعر: ای مصطفی با جانم از تو محافظت می کنم. خدای رحمان به وسیله تو ما را از کوری جهل نجات داد. جانم را فدایت می کنم. خونی که در بدن دارم؛ فدای کسی که در اصل و فرع با او یکی هستم. آن که جدش جد من و عمویش پدر من است. آن که خاندانش فرزندان من اند و دخترش همسر من است. و آنکه به هنگام کودکی و نوجوانی مرا در آغوش گرفت، و مرا با احسان بسیار و نوشیدنی و خوردنی از نیازمندی رها ساخت و آن که به هنگام پیمان برادری بستن در بین حاضرین، مرا فرا خواند و برادر خود ساخت و برتری ام را آشکار ساخت.^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دستم را گرفت و فرمود: موسی علیه السلام از پروردگارش خواست که مسجدش را برای هارون روا سازد و من از پروردگارم خواستم که مسجدم را برای تو و فرزندان تو روا سازد. آنگاه به ابوبکر پیغام فرستاد که در خانه خود را به مسجد ببند. ابوبکر استرجاع کرد (انالله و انا الیه راجعون گفت) و گفت به گوش. و اطاعت کرد و آن را بست.

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۸۶؛ کنزالفوائد، ج ۲، ص ۱۸۰.

۱. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۷.

آنگاه به عمر پیغام فرستاد و سپس به عباس همان پیام را فرستاد. سپس پیامبر خدا فرمود: من درهای [خانه] شما را نبستم و در خانه علی را باز نکردم؛ بلکه خداوند در خانه علی را باز کرد و در [خانه] شماها را بست.^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: با این دو دست کوتاهم درفش های کافران و منافقان را از حوض پیامبر خدا دور خواهم کرد. چنان که شتر غریبه را از آبشخور دور می سازند و پیامبر خدا فرمود: فردا روز قیامت، علی بن ابی طالب با من بر سر حوض من است. صاحب پرچم من است و فردا در کنار من متصدی کلیدهای بهشت پروردگارم است.^۳

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: من همواره با پیامبر صلی الله علیه و آله بودم. چونان فرزند که همواره با مادر است. پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز نشانه تازه ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می فرمود و به من فرمان می داد که به او اقتداء نمایم. پیامبر صلی الله علیه و آله چند ماه از سال را در غار حرا می گذراند و تنها من او را مشاهده می کردم و کسی جز من او را نمی دید. در آن روزها، در هیچ خانه ای اسلام راه نیافته بود جز خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله که خدیجه هم در آن بود و من سؤمین کس آن

۱. مسلمانان به جهت فضیلتی که مسجد داشت در ابتدا دری از خانه خود را به داخل مسجد باز می کردند. دستور آمد که همه صحابه این درها را ببندند و فقط امیرالمؤمنین علی علیه السلام اجازه دارند در خانه شان را به داخل مسجد باز نگاه دارند. این جریان یکی از فضائل چشمگیر امیرالمؤمنین علیه السلام محسوب می شود.

۲. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۴۹، ح ۱۴۶۷۳.

۳. المعجم الاوسط، ج ۵، ص ۲۲۵، ح ۱۵۳.

خانه بودم. من نور وحی و رسالت را می دیدم و بوی نبوت را می بوییدم.^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: من ترجمان وحی خدایم من صیانت شده از طرف خداوندم.^۲

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در معرفی خودش می فرماید: من از همه شما به کتاب خدا و روش پیامبر آشناترم و از همه شما در دین آگاه ترم و به نتایج و آینده کارها از همگان داناترم.^۳

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمود: من نسبت به احمد مثل نور از نورم.^۴

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: من هر روز یک بار و در هر شب یک بار نزد پیامبر خدا می رفتم. این مصاحبت خصوصی بود. رشته سخن تا هر جا می کشید. یاران پیامبر خدا به یقین می دانستند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با هیچ کس چنین رفتار نمی کرد.^۵

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: در سحرگاهان، پیامبر ساعتی را به من اختصاص داده بود که نزدش می رفتم. اگر به نماز ایستاده بود؛ «سبحان الله»

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲. ۲. احقاق الحق، ج ۴، ص ۳۳۲.

۳. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۷۳، ۷۴.

۴. بشارة المصطفی، ص ۱۹۱؛ روضة الواعظین، ص ۱۴۲.

۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۶۴.

می گفت و این «سبحان الله» گفتن اجازه ورود ایشان بود و اگر نماز نمی خواند به من اجازه ورود می داد.^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمود: برادرم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای علی، تو همدم من و رفیق من در بهشتی.^۲

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمود: ای پیامبر خدا! آیا هرگاه خواستیم می توانیم تو را در بهشت زیارت کنیم و فرمود: ای علی هر پیامبری رفیقی دارد که اولین کسی است که به او ایمان آورده است. سپس هنگامی که این آیه نازل شد «فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ»^۳ «آنان با کسانی محشور خواهند بود که خداوند ایشان را گرامی داشته است»؛ پیامبر خدا، علی علیه السلام را فراخواند و فرمود: خداوند پاسخ آنچه را که پرسیدی فر فرستاد و تو را رفیق من قرار داد؛ چون اولین کسی بودی که ایمان آوردی و چون تو صدیق اکبری.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: پیامبر خدا دست حسن و حسین علیهما السلام را گرفت و فرمود: کسی که من و این دو نفر و پدر و مادر این دو را دوست بدارد در روز قیامت با من در یک طبقه است.^۴

۱. مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۱۶۷.
 ۲. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۶۱، ح ۸۴۰.
 ۳. مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۱۶۸، ح ۵۷۶.
 ۴. سوره نساء، آیه ۶۹.

وارث پیامبر صلی الله علیه و آله

شخصی به علی علیه السلام گفت: ای امیرمؤمنان چرا شما وارث پسر عموی خود رسول خدا گشتید و عموی شما یعنی عباس بن عبدالمطلب که در ظاهر نزدیک تر از شماست وارث ایشان نشدند؟ فرمود: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرزندان عبدالمطلب را فراخواند و برای آنان غذایی آماده کرد. خوردند و سیر شدند با این حال غذا همچنان دست نخورده باقی بود. سپس پیامبر قدحی کوچک نوشیدنی طلبید و آنان نیز از قدح نوشیدند تا سیراب شدند؛ اما همچنان نوشیدنی باقی بود گویی هنوز دست نخورده است یا ننوشیده اند. سپس فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب، من به طور خاص برای شما، و به طور عام برای همگان به رسالت مبعوث شده ام. شما معجزه من را در غذا و نوشیدنی دیدید، اکنون کدام یک از شما با من بیعت کرده و رسالت من را باور می کنید تا برادر، همراه و وارث و وزیر من باشد؟ هیچکس جلو نیفتاد. من که از همه کوچک تر بودم؛ برخاستم تا بیعت کنم. حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: بنشین. سپس همان سخن را تکرار کرد و دوباره برخاستم و حضرت

دوباره فرمود بنشین. تا بار سوم شد. آنگاه حضرت دست بردست من زدند و فرمود: (تو برادر، همراه و وارث و وزیر من خواهی بود.) از این روست که من وارث پسر عمویم هستم و عمویم از آن بی بهره است.^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای علی، سه چیز به تو داده شده که پیش از تو به هیچ کس داده نشده است. گفتم پدر و مادرم فدایت، چه چیز به من داده شده است؟ فرمود: پدر زنی چون من به تو داده شده و زنی چون همسرت و فرزندانانی چون حسن و حسین به تو داده شده است.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که سرش بر روی سینه‌ام بود قبض روح گردید و جانش در کف من روان شد. آن را بر چهره خویش کشیدم. متصدی غسل پیامبر صلی الله علیه و آله من بودم و فرشتگان مرا یاری می کردند گروهی از فرشتگان فرود می آمدند و گروهی دیگر به آسمان پرواز می کردند. صدای آهسته نماز آنان بر حضرت در گوشم طنین می انداخت. تا آنگاه که او را در حجره‌اش دفن کردیم. چه کسی سزاوارتر از من در زندگی کردن با آن حضرت بود و همنشین لحظات مرگ ایشان بود.^۳

دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در حق علی علیه السلام

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: علمی که خداوند به پیامبر تعلیم داد او نیز به من آموخت و برایم دعا می کرد که خدا آن را در سینه‌ام جای دهد و اعضاء و جوارحم را از آن مالا مال سازد.^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: می خواهم چیزی را بگویم که پیش از این به کسی نگفته‌ام. روزی از پیامبر صلی الله علیه و آله خواستم که برای من آمرزش بخواهد. فرمود «می کنم» پس برخاست و نماز خواند و دستانش را به دعا بلند کرد گوش دادم. شنیدم که می فرمود: خدایا به حق و جایگاه علی در نزد تو، علی را بیامرز. گفتم: پیامبر خدا یعنی چه؟ فرمود: مگر نزد خدا کسی گرامی تر از تو هست که با آن شفاعت جویم.^۲

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸.

۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۶، ح ۶۲۵.

۱. مسند احمد، ج ۱، ص ۱۱۱، ح ۳۷۱؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۲۱؛ فضائل احمد، ص ۱۸۲، ح ۳۴۲.

۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۶۲. ۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۷.

روایت می‌کنند که علی علیه السلام بر منبر کوفه می‌فرمود: فاطمه را از رسول خدا صلی الله علیه و آله خواستگاری کردم حضرت پذیرفتند و ایشان را به عقد من درآوردند. پرسیدم ای رسول خدا، من را بیشتر دوست دارید یا فاطمه را؟ فرمود: فاطمه برای من محبوب تر از دوست و تو برای من از فاطمه عزیزتری.^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: من دست فاطمه را گرفتم و به اتاق خود آوردم و در گوشه‌ای به انتظار رسول خدا صلی الله علیه و آله نشستیم. چشمان فاطمه از شرم بر زمین دوخته شده بود و من نیز از حجلت سر به زیر انداخته بودم. دیری نپایید که رسول خدا صلی الله علیه و آله تشریف آوردند و فاطمه را در کنار خود نشانند و فرمود: فاطمه، ظرفی آب بیاور. فاطمه برخاست و ظرفی آب آورد و به دست پدر داد. رسول گرامی قدری از آن آب در دهان کرد و پس از مزه مزه کردن آب را درون ظرف ریخت سپس از دخترش خواست تا نزدیکتر رود. فاطمه چنین کرد و پیامبر اندکی از آن آب میان سینه او پاشید سپس مقداری از همان آب بر پشت و شانه او پاشید آنگاه دست به نیایش گشود و گفت: پروردگارا، این دختر من است عزیزترین کس در دیده من، پروردگارا، و این هم برادر من و محبوب ترین خلق تو نزد من است. خداوند، او را ولی و فرمانبردار خود گردان و اهل او را بروی مبارک گردان.^۲

۱. مسند احمد، ج ۲، ص ۴۱، ح ۶۰۳
 ۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶.

ایمان امام علی علیه السلام

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: حقیقت بینی من، با من است. نه حق را از خود پوشیده داشته‌ام و نه بر من پوشیده بوده است.^۱

و در فراز دیگری می‌فرماید: من بر گمراهی که آنان به سر می‌برند و هدایتی که خود از آن برخوردارم از جانب خود دارای بصیرت و از جانب خداوند دارای یقین هستم.^۲

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: آگاه باشید که اینک شیطان هواداران خود را گرد آورده و نیروهای سواره و پیاده‌اش را فراخوانده است در صورتی که بینش من همواره همراه من بوده و هرگز حقایق را بر خود مشتبه نساخته‌ام و حقیقت نیز بر من مشتبه نشان داده نشده است. نه خود را فریب داده‌ام و نه فریب خورده‌ام.^۳

۱. تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۹۹، ح ۷۴۴۱
 ۲. نهج البلاغه، نامه ۶۲
 ۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۰.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مورد خودشان می فرمایند: من قلب فراگیر خدایم. زبان گویای او هستم. امین او بر رازهایش، حجت او بر مردمش، جانشین او بر بندگانش، چشم بینای او در بین مردمش، و دست گشوده لطف و رحمت او، من دین اویم و مرا تصدیق نمی کند مگر آنکه ایمان خالص داشته باشد و مرا تکذیب نمی کند مگر آنکه کفر محض داشته باشد.^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطبه‌ای در دوران زمامداری خود در شهر کوفه ایراد کردند و فرمودند: به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمانهاست به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم در حد گرفتن پوست جوی از دهان موری، چنین نخواهم کرد.^۲

امیرالمؤمنین علی علیه السلام، پس از بیعت مردم مدینه با وی فرمودند: به خدا سوگند، کلمه‌ای از حق را نپوشاندم؛ هیچ‌گاه دروغ نگفته‌ام و از روز نخست به این مقام خلافت و چنین روزی خبر داده شدم. آگاه باشید که گناهان چون مرکب‌های بد رفتارند و سواران خود «گناهکاران» را عنان رها شده در آتش دوزخ می اندازند. آگاه باشید، تقوا، چونان مرکب‌های فرمانبرداری است که سواران خود را عنان بر دست، وارد بهشت جاویدان می کنند. حق و باطل همیشه در پیکارند و هر کدام طرفدارانی دارند؛ اگر باطل پیروز شود جای شگفتی نیست. از دیر باز چنین بوده و اگر طرفداران حق اندکند؛ چه بسا

۱. الاختصاص، ص ۲۴۸. ۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

روزی فراوان گردند و پیروز شوند؛ اما کمتر اتفاق می افتد که چیزی رفته بازگردد.^۱

علی علیه السلام در توصیف ایمان خود می فرماید: من بنده خدا و برادر رسول خدا هستم من صدیق اکبر هستم هیچ کس بعد از من این ادعا را جز به دروغ و گزاف نمی گوید، من هفت سال پیش از مردم با رسول خدا نماز خواندم.^۲

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: من بزرگترین حجت و بزرگترین نشانه و برترین نمونه‌ام.^۳

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: خداوند را خبری بزرگ تر از من نیست و خدا را نشانه‌ای بزرگ تر از من نیست.^۴

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه معروف به منبریه از سبقت خود در اسلام چنین یاد می کند که: خدایا من نخستین کسی هستم که به تو روی آوردم و دعوت تو را شنیدم و اجابت کردم. در نماز کسی از من جز رسول خدا صلی الله علیه و آله پیشی نگرفت.^۵

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۶. ۲. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۲۷.

۳. موسوعه الامام علی بن ابی طالب، ح ۳۶۲۵. ۴. همان، ح ۳۶۲۶.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: هیچ کس در پذیرش دعوت حق و صله رحم، چون من پیشتاز نبوده است.^۱

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: در میان مردان این امت من نخستین کسی هستم که به وعده و وعید ایمان آوردم و هجرت و جهاد نمودم.^۲

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود به راستی که من در شاهراه حق هستم و آنها در لغزشگاه باطل.^۳

علی علیه السلام در اوصاف اعتقاد خود می فرماید: منم چشم خدا و منم دست خدا و منم قرب خدا و منم باب خدا.^۴

خدا در قرآن کریم می فرماید: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ»^۵ «و نماز را به پا دارید و زکات بدهید و با رکوع کنندگان رکوع کنید». علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: نه سال با رسول خدا عبادت کردم در حالی که هنوز کسی از مردم خدا را عبادت نمی کرد.^۶

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۹.

۲. شواهدالتزیل، ج ۱، ص ۳۲۸.

۳. ترجمه غرر، محلاتی، ج ۲، ص ۱۹۸.

۴. کافی، ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۸.

۵. بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۲۵۵.

۶. سوره بقره، آیه ۴۰.

علم امام علی علیه السلام

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: ما درخت نبوتیم و از جایگاه رسالت و محل آمد و شد فرشتگان برخاستیم. ما معدنهای دانش و چشمه سارهای حکمت الهی هستیم.^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: بر پیامبر خدا هر آیه‌ای که نازل می شد مرا به خواندن آن و امی داشت و آن را به من املا می کرد و من به خط خود آن را می نوشتم و تأویل و تفسیر، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و خاص و عام آن را به من می آموخت و از خدا می خواست که درک و حفظ آن را به من عنایت کند. و از زمانی که این دعا را کرد؛ هیچ آیه‌ای از کتاب خدا را فراموش نکردم و هر دانشی را که به من املاء کرد و من نوشتم از یاد نبردم. هر چه را که خداوند از حلال و حرام، امر و نهی، گذشته و آینده به وی آموخته بود و هر کتابی را که خداوند به هر کدام از پیامبران قبل از وی درباره اطاعت و معصیت

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹.

۵. فضایل سه گانه حضرت امیر از نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چه مواردی است؟

الف. اولین نمازگزار - اولین شهید محراب - اولین مسلمان

ب. پدرزنی چون پیامبر دارد - همسری چون فاطمه و فرزندان چون حسن

و حسین علیهما السلام

ج. پرچمدار اسلام - اولین مسلمان - اولین شهید محراب

د. اولین نمازگزار - اولین مسلمان - از اهل بیت پیامبر

۶. حضرت امیر در توصیف ایمان خود به چه چیزی مباحثات می کند؟

الف. من در ایمان به پیامبر همانند ایمان هارون نسبت به موسی هستم

ب. من ایمان آورنده به وعده و وعید هستم

ج. ایمان و یقین من از کوهها استوارتر است

د. اخلاص من در نماز نشانه ایمان من است

۷. حضرت امیر به استناد کدام سوره خود را «امام مبین» معرفی می کند؟

الف. سوره کهف

ب. سوره الرحمن

ج. سوره فاتحه

د. سوره یس

۸. حضرت علی علیه السلام عنوان می کنند که «خدایی را که ندیده باشم عبادت

نمی کنم» منظور ایشان چه نوع مشاهده است؟

الف. با چشم دل و بصیرت

ب. با چشم ظاهری و چشم باطنی

ج. مشاهده ای که در معراج صورت گرفت

د. مشاهده با چشم ظاهری

۹. «امانت الهی» از منظر امام علیه السلام چیست؟

الف. امامت و رهبری بر امت

ب. حکومت اسلامی

ج. نماز

د. جهاد در راه حق

۱۰. حضرت امیر علیه السلام در خصوص عدالت در بیت المال می گوید:

الف. ای دنیا، دیگری را بفریب من حیدر کرارم

ب. بیت المال را به صاحبانش بازمی گردانم؛ اگرچه با آن ازدواج کرده باشند

یا کنیزانی خریده باشند

ج. این دنیا در نظر من از نم بینی بزی کمتر است

د. تا آنجایی که اتحاد مسلمین به هم نخورد بر عدالت استوار می مانم

۱۱. عامل اصلی به شهادت رسیدن علی علیه السلام چیست؟

الف. رشادت های او در کشتن دشمنان در آغاز اسلام

ب. حسادت مردم به امامت علی علیه السلام

ج. شجاعت حضرت

د. عدالت حضرت

۱۲. برکات دوستی با امیر مؤمنان چه می تواند باشد؟

الف. ورود به بهشت

ب. شهادت

ج. دیدار در خوشایندترین اوقات

د. الف و ج

۱۳. پیامبر در توصیف شیعیان حضرت امیر از چه تعبیری استفاده می‌کنند؟

الف. لباسشان از نور است ب. بر ناقه‌هایی از نور سوارند

ج. چهره‌هایشان نورانی است د. تمامی موارد

۱۴. حضرت امیر از گروه خوارج به چه تعبیر می‌کند؟

الف. سرپازان شیطان ب. چشم فتنه

ج. گمراهان و فریب‌خوردگان د. مردگان جاهلیت

۱۵. به تعبیر پیامبر صلی الله علیه و آله چه کسانی به مرگ جاهلی می‌میرند؟

الف. دشمنان صدر اسلام ب. معاویه و یارانش

ج. دشمنان حضرت علی علیه السلام د. خوارج